

# کلیات حقوق تجارت

نسبت شرکت های سهامی محدود

## فصل چهارم

### اعضاء یا صاحبان سهام

#### تعریف

صاحبان سهام شخصی است که يك قسمت از سرمایه شرکت را که باجزاء متساوی تقسیم شده تعهد ووجه آنرا کلاً یا بعضاً پرداخته و یا بجبهاتی دیگر سهام باو منتقل گردیده و از این حیث حقی برای آن شخص در سرمایه شرکت مزبور ایجاد گردیده باشد.

اشخاص یا افراد ممکن است به یکی از طریق ذیل در شرکت عضویت پیدا کنند :-

۱- اشخاصیکه شرکت نامه و اساسنامه شرکت را (اعم از مؤسسين و مدیران و اشخاص عادی) قبل از تشکیل شرکت امضاء نموده اند.

اشخاص مزبور به نسبت سهامیکه تعهد نموده اند صاحب سهم آن شرکت شناخته میشوند.

۲- اشخاصیکه عضویت شرکت را در اثر تقاضای سهام آن شرکت قبول نموده اند

۳- اشخاصیکه سهام شرکتی بانها منتقل گردیده و انتقال سهام مزبور را بنام خود پذیرفته اند.

نسبت بمورد دوم وسوم بدحض آنکه نامهای اشخاص مزبور در دفتر شرکت به ثبت رسید عضویت آنها مجرز خواهد بود.

اشخاصیکه میتوانند بعضویت شرکتی پذیرفته شوند

اشخاص و افراد ذیل میتوانند بعضویت شرکتی پذیرفته شوند :-

۱- اشخاصیکه مطابق مقررات اساسنامه سهام شرکتی را تعهد و پرداخت نمایند.

۲- افراد و اشخاص و مؤسسات و شرکتهاییکه از

صاحبان سهام شرکتی طلبکار بوده و در ازاء طلب خود سهام آن شخص را قبول نمایند . در مورد شرکتهای و مؤسسات قبول کردن سهام از شخصی در ازاء طلب مشروط بر این است که شرکت نامه شرکت منتقل الیه انتقال گرفتن سهام شرکت دیگری را مجاز دانسته باشد .

۳- وراث صاحبان سهام .

باید دانست که هیچ شرکتی نمیتواند سهام خود را خریداری کند ( هر شرکتی وقتی میتواند سهام خود را باستانمای سهام عادی خریداری کند که مطابق دستور ماده ۲۲۱ قانون تجارت در اساسنامه آن شرکت پیش بینی شده باشد ) زیرا هیچ شرکتی نمیتواند عضویت شرکت خود را داشته باشد و همچنین هیچ موسسی نمیتواند وجوه سرمایه شرکت را برای تعهد یا خرید سهام آن شرکت به شخصی قرض دهد .

هر گاه شخصی وجهی بموسسین یا مدیران موقتی شرکت قرض داده و در ازاء آن سهام آن شرکت را بوردیعه بگیرد شخص مزبور بطور ضمنی عضو آن شرکت شناخته شده و نمیتواند وجه خود را بعداً استرداد نماید و او آنکه قراردادی در اینخصوص بین موسس و شخص قرض دهنده منعقد شده باشد .

زیرا سهام عبارتست از تعهد شرکت در مقابل صاحبان سهام و هیچ شرکتی نمیتواند در مقابل اشخاصی بغیر از صاحبان سهام تعهداتی از حیث سرمایه سهامی داشته باشد . ولی اگر شرکتی اموال خود را اعم از منقول و غیر منقول نزد شخصی تودیع یا تضمین نموده و در ازاء آن وجهی استقرض کند و در صورت تادیه وجه میتواند اموال خود را استرداد کند .

شخصی که در کان از طرف شخص موهومی و یا از طرف شخصی بدون داشتن وکالت نامه سهام شرکتی را تعهد یا اقبای

کند شخصاً مسئول پرداخت قیمت وجه سهام بوده و کلیه آثار مترتبه بمضویت شرکت متوجه آن شخص خواهد بود ولی شخص دلالی که سهام شرکتی برای فروش باو سپرده میشود در صورتیکه گایه سهام مزبور را نتواند بفروش رساند و یا اینکه بجبهاتی نخواهد بفروش رساند هیچگونه مسئولیتی در مقابل شرکت نخواهد داشت ولو آنکه نام آن شخص در دفتر شرکت بعنوان صاحب سهام مزبور ثبت شده باشد.

اما در هر حال مسئولیت شخص دلال مشروط بر این است که سهام مزبور را در ظرف مدتیکه عرفاً یا عادتاً برای تمهید یا فروش یا انتشار سهام معمول است به موسسین مسترد داشته و سهام را زائد بر مدتیکه بین شخص دلال و موسسین یا مدیران مقرر گردیده نزد خود نگاه نداشته باشد والا شخصاً مسئول پرداخت قیمت سهام خواهد بود.

همچنین شخصی که سهام شرکتی را با قید و شرطی که در مورد عقود و تعهدات نافذ باشد (از قبیل اینکه در ظرف مدت معینی بعد از تشکیل شرکت یا از تاریخ تمهید بسمت نمایندگی شرکت انتخاب شود) تمهید نموده باشد هر گاه شرط مزبور لازم گردیده و از طرف شرکت ایفاء نشود تمهید اوقابل فسخ خواهد بود زیرا در این مورد تمهید آن شخص مطلق نبوده و بلکه مشروط است.

### خروج از عضویت شرکت

در موارد ذیل صاحب سهم از عضویت شرکت خارج

میشود:

۱ - در نتیجه انتقال دادن سهام ولی با در نظر گرفتن مقررات مواد ۳۰ و ۳۱ قانون تجارت کسانی که تعهدات بابتیاع سهام نموده اند تا موقعیکه پنجاه درصد قیمت اسمی سهام خود را نپرداخته اند مسئول تأدیه بقیه قیمت آن خواهند بود اگر چه سهام را بدیگری منتقل کرده و منتقل الیه نیز پرداخت بقیه را تمهید کرده باشد و بعد از تأدیه پنجاه درصد نیز کسیکه تعهد بابتیاع سهمی را کرده است از تأدیه بقیه قیمت آن بری نخواهد بود مگر اینکه اساسنامه شرکت آنرا تجویز کرده باشد که در این صورت منتقل الیه مسئول تأدیه بقیه آن خواهد بود.

۲ - بایگانی سهام مطابق مقررات ماده ۳۳ قانون تجارت.  
۳ - فروش سهم صاحب سهمی که بخود شرکت بدهی خارجین داشته و نیز از سهام شرکت دارائی دیگری نداشته باشد (فروش اینگونه سهام مشروط بر این است که اساسنامه شرکت آنرا اجازه داده باشد و یا آنکه حکمی از طرف محکمه دایر بفروش سهام شخص محکوم علیه صادر شده باشد).

۴ - در صورت فوت صاحب سهم (سهام یا کلیه تعهدات صاحب سهم بدیان در صورت ارائه حکم و یا بورات در صورت ثبت انحصار وراثت در دفتر شرکت منتقل میشود).  
۵ - در صورت انحلال شرکت.

### تعهدات اعضاء

مطابق دستور مواد ۳۰ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ و مفهومی قسمت ماده ۳۸ قانون تجارت هر صاحب سهمی باید کلیه مبلغ اسمی سهم خود را در موعد مقرر نقداً بپردازد و الا علاوه بر آن وجه به خسارت تأخیر تأدیه از قرار صدی دوازده در سال و به نسبت مدت تأخیر محکوم خواهد شد (جدول فرع خسارت تأخیر تأدیه از قرار صدی پانزده در سال قبلاً تهیه و در مجموعه طبع گردید. جدول فرع خسارت تأخیر تأدیه از قرار صدی ۱۲ در سال نیز قریب باتمام و بعداً در مجموعه طبع خواهد شد).

پرداخت نقدی یا سقوط تعهدات در نظر قانون عبارتست از اینکه شخص صاحب سهم تعهدات خود را مطابق مقررات مواد قانون تجارت و اساسنامه شرکت انجام داده و یا به یکی از طرق ۲ و ۴ و ۵ که در ماده ۲۶۴ قانون مدنی پیش بینی شده تعهدات خود را ساقط نماید. مثلاً اگر شرکتی مطالبه اقساط سهام را نموده و یکی از صاحبان سهام مالی را در ازاء وجه قسطی که مطالبه شده برضایت مدیران شرکت بدهد تمهید اوساقط و قسط او پرداخته شده محسوب میشود ولو آنکه وجه نقدی در مقابل قسطی که مطالبه شده بشرکت نپرداخته باشد. و همچنین اگر شرکتی که فرضاً صدسهم ده ریالی یکی از اعضاء را مطابق دستور ماده ۳۳ قانون تجارت و باستناد مقررات اساسنامه بایگانی نموده و در همان حال شرکت

دارای سهام مختلفه ذیل باشد :-

**۱ - سهم عادی**

سهم عادی عبارت از سهم اساسی شرکت بوده و هیچ شرکتی نمیتواند سهام عادی خود را خریداری کند و لو آنکه اساسنامه خرید آنرا پیش بینی کرده باشد سهام عادی شرکتی از حیث دریافت منافع سهام نسبت به سایر طبقات مختلفه سهامی که ممکن است شرکتی داشته باشد وخر بوده و بعد از آنکه منافع سایر طبقات مختلفه سهام آن شرکت پرداخته شد استحقاق دریافت منافع سالیانه را خواهند داشت .

**۲ - سهم عادی مرجحه**

سهام عادی مرجحه سهمی است که از حیث دریافت منافع ثابت سالیانه ( فرضاً صدی ده در سال ) بر سهم عادی حق اولویت داشته و تا موقعیکه منافع ثابت سالیانه سهم مرجحه پرداخته نشده صاحب سهم عادی آن شرکت استحقاق دریافت منافع را نخواهد داشت .

**۳ - سهم مرجحه**

سهم مرجحه سهمی است که نسبت بدریافت منافع ثابت سالیانه در هر سال و همچنین نسبت بدارائی شرکت در صورت ورشکستگی یا انحلال حق اولویت و اقدمیت بر سهام عادی مرجحه و سهم عادی خواهد داشت ولی در صورتیکه منافع سالیانه شرکت در یک سال تکافوی پرداخت منافع ثابت سالیانه سهم مرجحه و سهم عادی و سهم عادی را در آن سال نداشته باشد حق دریافت منافع موقه را از منافع شرکت در سنوات بعد نخواهند داشت .

عبارت دیگر هر گاه منافع سالیانه شرکت بحدی نباشد که بتوان منافع ثابت سهم مرجحه یا سهم عادی مرجحه را پرداخت تفاوت بین مبلغ منافع ثابت و مبلغی که پرداخته نشده نمیتوان در حکم قرض شرکت دانسته و در سنوات بعد وصول نمود .

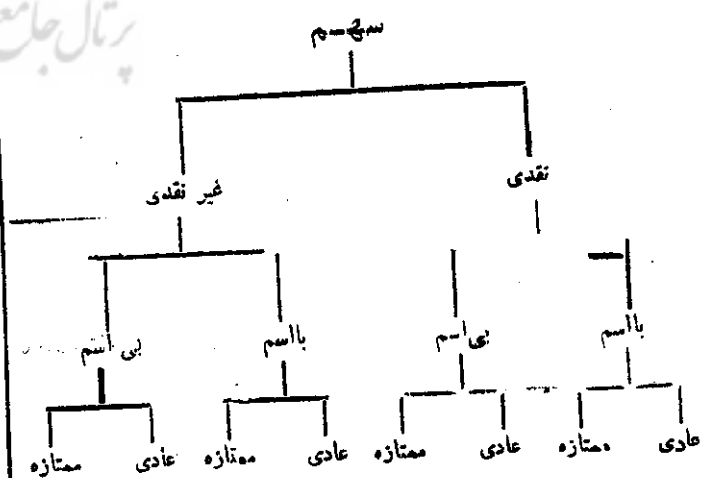
**۴ - سهم ممتاز**

سهم ممتاز سهمی است که از حیث دریافت منافع

مانندی که فرضاً هزار ریال باشد به شخص دیگری مقروض بوده و آن شخص همان صد سهم ده ریالی بایگانی شده را در از اعطاب خود قبول نماید پرداخت قیمت سهام مزبور نقدی محسوب می شود و لو آنکه طلب مزبور از بابت قیمت مال التجاره بوده و پول نقدی بین طرفین رد و بدل نشده باشد بهمین لحاظ است که حقوق صاحبان سهام نقدی و غیر نقدی شرکتی از حیث استفاده از مزایای شرکت همیشه یکسان است فقط با این تفاوت که اگر در سهام غیر نقدی از حیث تقویم یا جهت دیگر در مرفع تصویب آنها در مجمع عمومی نقایصی موجود بوده و نقایص مزبور اظهار یا اعلام نگردد مطابق دستور ماده ۴۳ قانون تجارت دعوی جعل و تزویر نسبت بانها میتوان اقامه نمود و حال آنکه نسبت به صاحبان سهام نقدی هیچگونه اقدامی بغیر از مطالبه قیمت اسمی و اقساط سهام یا بایگانی آنها به جهاتیکه در ماده ۳۲ و ۳۳ ذکر گردیده نمیتوان نمود

**فصل پنجم  
سهام شرکت**

تعریف - سهم عبارتست از يك قسمت سرمایه مشترك شركت است که بشخص صاحب سهمی در آن شرکت تعلق دارد قانون تجارت ایران در ماده ۳۳ و ۳۶ سهام را بطور کلی به نقدی و غیر نقدی و هر یک از این دو را به سهم با اسم و بی اسم و هر یک از آنها را به سهم عادی و ممتاز تقسیم نموده که نتیجه تقسیم مزبور از اینقرار است :



ولی قطع نظر از سهام نقدی و غیر نقدی و بدون توجه به سهم با اسم و بی اسم هر شرکتی ممکن است

۶ - سهم جایزه

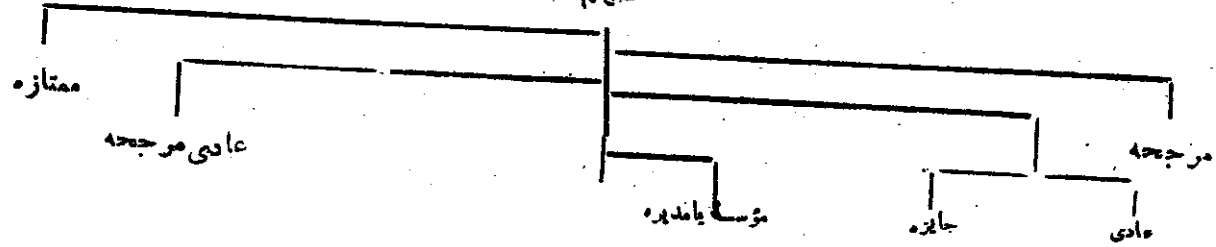
سهم جایزه سهمی است که در نتیجه تبدیل سهم نمودن  
 مازاد منافع ذخیره که مطابق دستور ماده ۵۷ قانون تجارت  
 همه ساله از منافع شرکت کنار گذارده شده و از عشر  
 سرمایه اسمی شرکت تجاوز نموده باشد بوجود میاید  
 مثلاً شرکتی با دوست هزار ریال سرمایه که به  
 هزار سهم دوست ریالی تقسیم شده بود تشکیل و بعد از وضع  $\frac{1}{10}$   
 از سود ویژه (منافع خالص) سالانه در مدت چند سال  
 منافع ذخیره آن به سی هزار ریال بالغ گردید . چون  
 مطابق دستور ماده ۵۷ تهیه منافع ذخیره تا معادل  $\frac{1}{10}$   
 سرمایه شرکت (که در این مورد بیست هزار ریال میشود)  
 اجباری بوده و نسبت بمازاد مبلغ مزبور اختیاری است  
 مجمع عمومی شرکت تصمیمی اتخاذ نمود که ده هزار  
 ریال مازاد منافع ذخیره را به پنججاه سهم جایزه . دوست  
 ریالی تبدیل کرده و بین صاحبان سهام شرکت تقسیم  
 نماید . چون نسبت بین دوست هزار ریال سرمایه و ده  
 هزار ریال ذخیره اضافی مثل نسبت بیست به یک است  
 بنا براین هر شخصی که دارای بیست سهم دوست ریالی  
 شرکت باشد استحقاق در یافت یک سهم جایزه دوست  
 ریالی خواهد داشت . و هر گاه اشخاصی باشند که کمتر  
 از بیست سهم عادی شرکت داشته باشند در این صورت  
 ممکن است یک سهم جایزه دوست ریالی را به بیست  
 قطعه سهم ده ریالی تقسیم و بین آنها توزیع نمود .  
 سهام جایزه در حکم سهام عادی شرکت بوده و  
 دارندگان آن از کایه حقوق و مزایاییکه دارندگان سهام  
 عادی شرکت استفاده مینمایند حق استفاده خواهند داشت .  
 از شرح فوق اینطور نتیجه گرفته میشود که صرف  
 نظر از سهام نقدی و غیر نقدی و با اسم و بی اسم سهام هر  
 شرکتی ممکن است به طبقات مختلفه ذیل تقسیم شود :-

ثابت سالانه در هر سال و همچنین نسبت بدارائی شرکت  
 در موقع ورشکستگی یا انحلال حق ممتازه داشته و در  
 صورت عدم تکافوی در آمد شرکت برای تأدیه منافع  
 ثابت سالانه سهام ممتازه مبلغ تمه که پرداخته نشده بدین  
 سال بعد شرکت نقل و تا موقعیکه کایه منافع سنواتی  
 سهام ممتازه پرداخته نشود هیچیک از طبقات دیگر سهام  
 شرکت حق دریافت منافع سالانه را نخواهند داشت . اما  
 باید دانست در صورتیکه مطالبات سنواتی صاحبان سهام  
 ممتازه پرداخته نشود صاحبان سهام مزبور باستناد طلب  
 خود و تاخیر در تأدیه نمیتوانند تقاضای انحلال شرکت را بنمایند

۵ - سهم مؤسسه یا مدیره

سهم مؤسسه عبارت از سهمی است که مدیران یا  
 مؤسسين شرکت در ازاء زحماتیکه شخصاً برای تشکیل  
 دادن شرکت متحمل گردیده اند به مجمع عمومی شرکت  
 پیشنهاد نموده و سهم مزبور بنام آنها در دفتر شرکت  
 ثبت میشود - سهم مؤسسه یا مدیره قابل داد و ستد نبوده  
 و از حیث دریافت منافع سالانه نیز موخر از سایر طبقات  
 مختلفه سهام بوده و تا موقعیکه منافع سالانه کایه سهام  
 شرکت پرداخته نشود حق دریافت منافع را نخواهند داشت .  
 در ظاهر امر ممکن است تصور نمود که سهم مؤسسه  
 منافعی نداشته و چیزی عاید صاحبان آن نمی سازد ولی در  
 حقیقت برخلاف آنست زیرا بعد از آنکه منافع ثابت  
 سهام عادی مرجعه و سهام مرجعه ممتازه و همچنین منافع  
 سهام عادی (در حدود منافع سالهای قبل یا قدری بیشتر)  
 پرداخته شد مازاد منافع که اغلب اوقات مبلغ زیادی است  
 عاید دارندگان سهام مؤسسه میشود . اما بغیر از این فایده  
 دیگری نداشته و همیشه در موقع تهیه اساسنامه این نکته  
 را مخصوصاً قید میکنند که دارندگان سهام مؤسسه یا  
 مدیره در موقع انحلال شرکت حق استفاده از سرمایه  
 یا دارائی شرکت را نخواهند داشت .

سهام



## پنهان Recel

### (اخفاء موضوع جرم)

#### دیباچه

خوانندگان محترم را متذکر می‌دارد که موضوع این رساله بفراسه رسل و رسلر Recel et Receleur و بقارسی اخفاء موضوع جرم و مخفی کننده آن است . دانشمندان میدانند که در زبان هرملتی اصطلاحاتی مخصوص قانون و علم قضات که در عرف و ادبیات مفهوم دیگری را متضمن است وجود دارد چون در مقابل رسل و رسلر اصطلاح قانونی و قضائی بزبان ما در هیچیک از قوانین جاریه و حتی عرف دانشمندان و قضات نیست و استعمال خود لفظ رسل هم که لفظی فرنگی است در زبان ایرانی غیر مرغوب و بلکه غلط است و از طرف دیگر استعمال جمله « اخفاء موضوع جرم » بجای يك كلمه رسل و یا مخفی کننده موضوع جرم بجای رسلر آنها بتکرار ناپسند است نگارنده این رساله پس از تفحص و تتبع کامل در اصطلاحات قضائی و قوانین کشوری و استفسار از دانشمندان فن و با منظور بکار بردن لغت فارسی «پنهان» را که معنی فارسی اخفاءست بجای رسل انتخاب و بجای رسلر نیز پنهان بکار برده است امید است که این انتخاب از طرف فرهنگستان هم مورد قبول واقع شود .

#### فصل اول - پنهان

##### مطلب اول

##### تعریف پنهان

قانون مجازات ایران باب مخصوصی برای این موضوع باز نکرده و تعریفی از آن ننموده است . فقط در ابواب جرائم سرقت - قتل - جرائم نسبت باطفال - مخالفت با مراسم دفن اموات - فرار مجوسین - اخفای

مقصرین - ورشکستگی بقضیر بمرتکب این جرم مجازات هائمی داده است که هر يك بموقع خود مورد بحث واقع خواهد شد . ولی قوانین دول خارجی چون قانون مجازات فرانسه پنهان را بشرح پائین تعریف کرده است :

در کشورهای اروپائی رسل را عرفاً بمعنای پنهان کردن استعمال می‌گردد اعم از اینکه شیئی پنهان شده موضوع جرم و یا غیر آن باشد بمرور ایام در عرف قضا این لفظ بمعنای دریافت و یا نگاهداشتن شیئی که در نتیجه جنحه و یا جنایتی بدست آمده باشد بکار برده شده است .

مؤلفین اروپائی از قبیل بمانوار (۱) - ژوستیس (۲) پوله (۳) و غیره رسل را بهمین معنی بیان کرده‌اند .

و حتی قانون مدنی فرانسه ( ماده ۷۹۲ ) در باب ارث رسل را به معنای پنهان کردن اموال متوفی تعریف کرده است .

بالتیجه تا قرن هیجدهم رسل همان معنی مخفی کردن را داشت ولی از آن تاریخ تا بحال معنی وسیعتری برای رسل ( پنهان ) قائل شده و آنرا شامل دریافت موضوع جرم و استعمال آن نیز کرده‌اند اگر چه رسلر ( پنهان گر ) آنرا مخفی نکرده باشد .

دائرة المعارف بزرگ دیدرو (۴) و آلامبر (۵) پنهان را بشرح پائین تعریف کرده است :

« پنهان یعنی دریافت و حفظ موضوع جرم با علم » .  
و نیز قانون مجازات فرانسه سال ۱۷۸۰ ( در جلد سوم ماده ۵ ) پنهان را بمعنی پناه دادن مجرم و یا اخذ موضوع جرم گرفته است (۶) سایر قوانین جزائی اروپا هم

۱ - Badumanoir ۲ - Jostice ۳ - Polet

۴ - Di lero ۵ - Alamber

۶ - رجوع شود بصفحه ۳۹ مجله کفرانس حقوق جزای دانشکده حقوق فرانسه شماره ۱۱ سال ۱۹۱۵ .